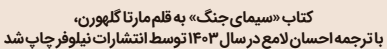


یادی از مارنا گلهورن روزنامه نگار و نویسنده جنگ هم‌زمان با زادروزش، کسی که آثارش درباره جنگ جهانی دوم محل رجوع بسیاری است

مرکزی، از بیمارستان‌های موقت ایتالیا. در دفترچه یادداشتش کنار شماره صفحات، نام کتاب‌هایی را که باید بسازد می‌نویسد. «چهره جنگ»، «سفر با خودم و دیگری» و «نمایی از زمین» نام کتاب‌هایی است که در بحبوحه جنگ انتخابشان می‌کند.



حکایت

۱. کلیله و دمنه، نصر... منشی ۲. خمسه نظامی

۱. کلیله و دمنه، نصر... منشی ۲. خمسه نظامی

نم دانم یا خدمت یا، ایست، اما با هم هر کدام در جایگاه خود مسئولیت داریم. آقا به بی، تا او ای کفایتانند از اب ملک و از دام اب ملک کسر



روزنامه نگار
غلامرضا بنی اسدی

نمی‌دانم برای چندمین بار است، اما باز هم دارم سریال یوسف پیامبر را نگاه می‌کنم. قصه یوسف، کدام است. نان. کجایید روزهایی که می‌گذشت، آن‌ها قصه زندگی را بر یوسف‌ها بود. در اخبار می‌خوانم که قیمت نان در مشهد ۱۵ درصد گران تر شده است؛ و باز آن‌ها فکر می‌کنند، که این خبر را می‌خواهند. فرشاد می‌گویند، اقتصاددان بابت اشاره به شب‌های از گرازش مرکز آمار ایران که بیان می‌کند رتبه تورم نقطه به نقطه، مربوط به «نان و غلات» است. اگر اندکی غلط، احساس مسئولیت داشته‌اند، انسان باید از شرم سر فرو آورد. زیرا یکی نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد کل قوت خرید ایرانیان و غلات است و شما با افزایش قیمت‌ها می‌کنید! همه حرف را می‌شنوید، واقعاً با مردم چه می‌کنیم؟ به هر حال

تراوی گفت: «بنا براینکه از این ملک و از دامن این ملت، کسی در تهیه نان خود با مشکل روبه‌رو نشود، بفرمایند که در ایام خود هم راه به تعالی نخواهد یافت. این برای بود، دعای رسول اعظم (ص) باید روز دیگری به آسمان می‌رفت. سریال یوسف را نگاه می‌کنم، فراز و فرودهای قصه را می‌بینم، اما همچنان غم می‌خورم. این بار نه برای قصه‌ای که هزاران سال پیش روی داده و به اعجاز الهی چاره‌گشته که برای امروز: برای تومری که قرص‌های نان را کوچک و کوچک‌تر می‌کند. این هم راه را برای قرص‌های درمانی باز می‌کند. یاد کسانی می‌افتم که برای خوردن نان خالی هم باید بیشتر حساب‌وکتاب کنند چو نان حق از سال، ماه هشتار می‌مدیریت کردن خود یک نوع محقق انسانی است. می‌خواهم یوسف را صدا بزنم و بگویم یوسف بیا و مشکل گندم و نان ما را چاره کن! ما هم برادران توایم. برادرانی که پای ایمان خود به خون استاده‌اند نه کسی که تو را به چاه انداخته‌اند. برای ما هم کاری بکن»

«مارتا گلهورن» در ۱۹۰۸ در سنت لوئیس
میسورلی به دنیا آمد. مادرش، ادنا گلهورن،
فصل حقوق زنان را و پدرش، جورج پزسک-
بول، مارتا ادنا گلهورن را رها کرد تا بنویسد. با
خبرگزاری شروع کرد، سپس به پاریس رفت
و برای «وگ» و نشریات دیگر نوشت. وقتی
اشوب جنگ اروپا را بلعید، فهمید جای
او کنار یوگانه هاست نه روی میزهای مد-
نستین کتابش با عنوان «تعقیبی چنین
دیوانه‌وار» اعلان حضور کرد. با ارنج‌هایی
که پیداهم، «صدرا استریا» پیدا کرد، در این-
کتاب از رکود بزرگ امریکا و رنج‌های اجتماعی
مردم، بدون گدایی ترجم نوشت. در «سرزمین
زنده، اوسما راوی جنگ بود. او سه
غلیظ شگباهی و ترس‌پراگ را به هم دوخت
و وقتی جنگ جهانی دوم آغاز شد، خودش را
به خط مقدم جنگ رساند و نام او بر پیشانی
تمام گزارش‌های انسان محروم و تکان‌دهنده
نقش بست. از اسپانیا تا ویتنام و السالوادور و
ایران باستان جاو به یکی از جدی‌ترین شاهدان
فرمان بیستم تبدیل شد. در سال‌های بعد با
«سفر با خودم و دیگری»، «آب‌های افریقا»
و «منظره‌ای از زمین» روایتی ادبی از ویتنام
جنگ‌زده تا خاورمیانه مضطرب داشت. مارتا
تا آخرین لحظات عمر علیه جنگ گفت، علیه

سیاست‌های کور و جعل رنج مردم عادی. او معیار شهادت صادقانه در روزنامه‌های آرا را برده و در قامت یک گزارشگر در یک قهرمانی آرا را در جنگ سرآورد. او نشان داد که یک کلمات را با وجدان سرآورد. درهم آمیزد، به فریادی رفت. وقتی به سوی جیره‌بندی نان ایستاد و مردم را به نجات می‌فرستاد. او جهان انسانی را درمزمزه ناهنجار گوش سپرد. او جهان انسانی را با روابط میان آدم‌ها تحریف کرد و انحطاطی را اثبات کرد که یک مرد زخمی، با اشک میان او آرا به به دنبال همسایه‌اش می‌گشت و زنی را به به کشید که در بی خبری از فرزندش را به شد. او در تمام زندگی، روی چهره، صدا و سخن آدم‌های عادی بود.

بر باد داد

تقویم تاریخ

۱۷ آبان
عباس
واعظ
پهلوی
تحمیلی
لم



امروز ۱۷ آبان سالروز درگذشت **امیر قویدل** فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان قزند مشهدهی است. او فیلم‌سازی بود که نخستین فیلم‌های او اقتباسی از سیاسی‌انقلابی را در سیمای ایران خلق کرد که «خوبنبارش» و «برنج خوبین» نمونه این اثرات است. قویدل دو فیلم «میزراکوچک خان» و «سردار جنگل» را نیز در دهه ۶۰ ساخت. همچنین فیلم «ترن» او با بازی فرامرز قریبیان او را به یک شهرت رساند. قویدل در آبان ۱۳۸۸ در دلیل بیماری ابدی درگذشت.



سوخی
بی شوخی

طبق آخرین آمار، مارتبه اولی اینجاست که باید سراغ

[illegible]

البته برای مواقعی که مریضی شما جدی است می توانید میکروب ها را غافل گیر کنید. مثلا اول سیفکسیم بخورید. این طوری میکروب اعتماد به نفس کاذب پیدا می کند و تصور می کند کارش خیلی راحت تر از آن چیزی است که فکر می کرد و خودش را شل می گیرد. در اینجا باید خیلی زود یک دارو با اسم سخت تر مثلا سپیروفلوکساسین خورد تا میکروب کاملا غافل گیر و نابود شود. البته شاید به صاحب علمی مطالبی که گفته شد شک کنید و همچنان با

خودتان فکر کنید که برای تشخیص درست و دقیق بیماری حتما باید به پزشک مراجعه کرد ولی اشتباه می کنید. مطب های پزشکان ما دیگر برای تشخیص بیماری نیست، بلکه برای تأیید نسخه آنتی بیوتیکی است که هر بیمار از قبل خودش برای خودش چیده.

وقتی می گویند: با دکتر مشورت کنید، منظورشان این است که: «با دکتر مشورت کنید تا برای شما آنتی بیوتیکی را که خودتان قبلا انتخاب کرده اید تجویز کند.» خلاصه اینکه بداند و آگاه باشید که هر دردی، هر غمی، هر بدختی، هر نمره زیره ۱۰، هر قطع یارانه و حتی قطع کمک عضو یا استیک دوره کامل آنتی بیوتیک قابل حل است.

پزشکان هم فقط باید داروهای مدنظر ما را وارد سیستم کنند تا با استفاده از نسخه بیمه تأمین اجتماعی دو سه هزار تومانی ارزان تر از نرخ آزاد، آن ها را خریداری کنیم.

طبق آخرین آمار، ما رتبه اول مصرف آنتی بیوتیک در جهان را به دست آوردیم و این افتخار و بر طیل شادانه کوئیدن ممکن نبود جز مصرف بدون نسخه پزشک انواع آنتی بیوتیک ها. اینکه تا حس کردیم یک توده هوای سرد می خواهد وارد کشور شود، بلافاصله وارد آسپرخانه شدیم و از در یخچال یک آنتی بیوتیک برداشتیم و خوردیم تا بدیمان را به اردوی آدمگی جهت مقابله با میکروب ها ببریم. در این موفقیت سهم چشمگیری داشته است. حالا درست است که جامعه پزشکی می گوید نصف مصرف آنتی بیوتیک ها، بدون هیچ آبنمای علمی است. اما خودمان می بینیم آیا بهتر بدن ما را می شناسند یا خود ما؟ برای حفظ این رتبه باید حواسمان باشد با اولین خط و خشی که روی صدایمان افتاد، یک آنتی بیوتیک بخوریم. اگر هم نمی داند هر آنتی بیوتیک را چه موقع استفاده کنید، با دقت تمام ادامه این متن را بخوانید.

هر آنتی بیوتیکی که اسمش کوتاه است، مال اوایل سرماخوردگی است، مثل سفیکسیم برای سرماخوردگی ساده یا سرماخوردگی کودکان است. فقط میکروب های مبتدی و آماتور از آن حساب می برند ولی میکروب های کارگشته به این داروهای با اسم کوتاه اصلا محل نمی دهند و تحویل نمی گیرند.

اگر کمی مریضی شما جدی تر شده است باید از آنتی بیوتیک هایی که اسمشان یک مقدار طولانی تر است استفاده کنید؛ مثلاً فلوکسازین و آموکسی سیلین. اگر هم دیدید مریضی شما وارد فاز پیچیده تر و وحشتناک تر شده است، بدانید که دارویی که اسمش کوتاه و ساده است، مانند سفیکسیم، در مقابل شارلاتان بازی میکروب ها کار خاصی از دستش بر نمی آید و آبروی چندین ساله سیستم ایمنی شما جلوی میکروب های غریبه از بین می رود.

حسین نقیب

رئیس پلیس راهور مشهد :
روزانه ۱۰ هزار خودرو در مشهد
جریمه می‌شوند

منبع: شهرآرا